

بررسی اثربخشی آموزش مسئولیت پذیری بر عزت نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه

اسماعیل مهدوی[°]
میرصلاح الدین عنایتی^{°°}
عبدالکاظم نبیسی^{°°°}

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش مسئولیت پذیری (به شیوه گلاس) بر عزت نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر باغملک بود.

جامعه آماری این پژوهش را، کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر باغملک تشکیل می داد و نمونه آن ۳۰ نفر از این دانش آموزان بود که به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش؛ پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و پرسشنامه اطلاعات فردی (دموگرافیک) بود. طرح پژوهش تجربی و از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه گواه بوده که پس از انتخاب تصادفی گروه های آزمایشی و گواه، ابتدا بر روی هر دو گروه پیش آزمون اجرا گردید، سپس مداخلات آزمایشی به مدت ده جلسه ۹۰ دقیقه ای یک بار در هفته، روی گروه آزمایشی اجرا گردید و پس از اتمام برنامه آموزشی، از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. در این پژوهش برای تحلیل داده ها روش تحلیل کوواریانس یک راهه (آنکوا) و تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) به کار بسته شد. نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاس باعث افزایش عزت نفس در گروه آزمایش می شود.

کلید واژگان: مسئولیت پذیری، عزت نفس

* گروه مشاوره، دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات خوزستان

*** عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

دوره ی نوجوانی به سبب بروز مسائل خاص، بعضی اوقات با نوعی سردرگمی همراه با کاهش عزت نفس، خود کم بینی و خود پنداری منفی همراه است که سبب کاهش فعالیت های طبیعی و تعاملات اجتماعی می شود. بنابراین به وسیله آموزش مسئولیت پذیری^۱ به نوجوان می توان وی را برای ادامه یک زندگی مطلوب یاری نمود. (رمضانی دیسفانی، ۱۳۸۰).

توجه به نقاط مثبت، تقویت اعتماد به نفس و احساس خودباوری و خود ارزشمندی از مهم ترین کارهایی است که بزرگان دین و علمای تعلیم و تربیت به آن توجه داشتند. براین اساس تصور می شود مسئولیت و آموزش مسئولیت پذیری مهم ترین شغل و وظیفه ی ماست. وظیفه ای که از بدو تولد تا مرگ همراه ماست و هیچ گاه از ما جداشدنی نیست. (عابدینی، ۱۳۸۶).

وجود انسان های سرد و بی تفاوتی که در تمدنی بی بند و بار و بی هدف غوطه می خورند ناشی از تربیتی است که در آن احساس مسئولیت مطرح نبوده است. با اندکی تعمق می توان دریافت، علت اساسی بی توجهی به دردها و نابسامانی ها، عدم نظارت عمومی، وجود تکیه گاهای فکری خطرناک نیست، بلکه ناشی از بی مسئولیتی یا فرار از مسئولیت و شانه خالی کردن از زیر بار آن است. بنابراین امروزه چه بسا افرادی را شاهدیم که از خود سلب مسئولیت می کنند، تا از کشمکش های ذهنی خود رارهایی بخشند و از قید تلاش ها و فعالیت های خسته کننده، خویش را نجات دهند. (گینات^۲، ۱۹۹۳؛ ترجمه سرتیپی، ۱۳۷۸).

باتوجه به اهمیت و ارزش آموزش مسئولیت پذیری با اهداف پیشگیرانه و ارتقاء سطح سلامت روان و فقدان این امر که باعث می شود، فرد در برابر فشارها و استرس ها به رفتارهای غیر مؤثر و پرخاشگرانه روی آورد، آموزش آن به کودکان و نوجوانان احساس کفایت، توانایی مؤثر بودن غلبه بر مشکل، افزایش احساس خود ارزشمندی (عزت نفس)، توانایی برنامه ریزی، رفتاری هدفمند و متناسب با مشکل را به وجود می آورد. بنابراین شک نیست که از مهم ترین غایات، پرورش و ایجاد روح مسئولیت در فرد است، امری که انسان به شرط واجد بودن آن انسان نامیده می شود. (رفعتیان، ۱۳۸۴).

مسئولیت فرایندی است که فرد باید از اولین سال های کودکی آن را آموخته تا با وظایف متعددی که در دوران های مختلف زندگی روبه رو می شود مسئولانه برخورد کند. مسئولیت پذیری افراد در هر جامعه ای، یکی از ارزش های آن جامعه محسوب می شود و از شاخص های مهم سلامت روان محسوب می شود. (رمضانی دیسفانی، ۱۳۸۰).

مسئولیت پذیری به معنی متعلق بودن انتخاب ها به خودمان و برخورد صادقانه با آزادی است. مسئولیت پذیری شامل ملاحظه کردن دیگران و سرزنش نکردن آنان بابت مشکلات شخصی نیز می باشد. (شارف^۳، ۱۹۹۶).

بچه ها احساس مسئولیت را از والدین، مدرسه، دوستان و اجتماع می آموزند و با آموختن، این مهارت

1 responsibility

2 Ginat

3 Sharf

با ارزش را تا آخر عمر حفظ کرده و این امر باعث موفقیت بیشتر آن ها در امور زندگی می شود. پس بهتر است مسئولیت پذیری را، از کودکی به بچه ها آموزش دهیم. خانواده نخستین عامل مؤثر در ایجاد مسئولیت در افراد است. پس به نظر می رسد شیوه های مشارکتی از ابتدا، مشارکت در کارهای خانه، مدرسه، تحصیلات دانشگاهی، شغل و غیره یکی از روش هایی است که افراد مسئولیت بیشتری احساس می کنند و متعهدانه وظایف خود را انجام می دهند. (کلمز و بین، ۱۹۸۶؛ ترجمه علیپور، ۱۳۸۶).

آموزش بچه ها برای پذیرش مسئولیت در درون خانواده روش بسیار مطلوبی برای آماده کردن آن ها در پذیرش وظایف و مسئولیت های بی شماری است که در بیرون از خانواده با آن ها مواجه خواهند شد و وسایل لازم را برای استقلال آن ها فراهم می کند. برای یک کودک که اکنون رشد می کند و بعداً نوجوان و بزرگسال می شود، توانایی در توفیق مسئولیت های اجتماعی خارج از خانواده به فرصت برای تجربه کردن مشارکت ارزشمندی احترام به خود، قدرت و پیوند با اجتماعی بستگی دارد. (بارت، ۲۰۰۰).

گروه کار ایالت کالیفرنیا^۱ به منظور تعریف مسئولیت پذیری با عنایت به عزت نفس بیان نمود که مسئولیت پذیری همان قدر دانی از ارزش و اهمیت شخصی و داشتن شخصیت پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با سایرین است. (به نقل از فرهادی، ۱۳۸۳).

از آن جایی که جوامع در حال پیشرفت، نیازمند افرادی مسئول و خودکفای باشند، بنابراین انسان های امروز بیش از پیش باید مسئولیت زندگی و سرنوشت خود را بپذیرند و این امر میسر نمی شود مگر اینکه مبنای آموزش و پرورش مبتنی بر افزایش درک کودکان و نوجوانان در مورد نقش آنان در ساختن سرنوشت و کیفیت زندگی شان باشد و برای رسیدن به این هدف سعی و کوشش و برنامه ریزی دقیق لازم است. آموزش مسئولیت پذیری به کودکان و نوجوانان کمک می کند که مسئولیت احساس، شناخت و رفتار خود را بپذیرند و هم چنین بپذیرند که خودشان مسئول سلامتی، موفقیت، ارتباط با دیگران و ارتباط با محیط هستند. (بهرامی، ملکیان و عابدی، ۱۳۸۵).

مطالعات انجام شده در خصوص آسیب شناسی روانی حکایت از آن دارد که علت بسیاری از رفتارهای آسیب زای فرزندان در خانه و مدرسه مانند پرخاشگری، اضطراب، بزهکاری، افکار مربوط به خودکشی، مصرف سیگار، سوء مصرف مواد مخدر، افت تحصیلی، عدم پذیرش مسئولیت و مواردی از این قبیل ریشه در کمبود «عزت نفس» آنان دارد. در واقع هر چه فرد از خودباوری و عزت نفس بالاتری برخوردار باشد از موقعیت و کارآمدی بالاتری برخوردار بوده و از آسیب های روانی - اجتماعی نیز مصون خواهند ماند. (شیهان، ۴، ۱۹۸۸؛ ترجمه میرهاشمی و گنجی، ۱۳۸۳).

مکی و اسمیت^۵ (۲۰۰۲) درباره ی عزت نفس بیان می کنند: عزت نفس یکی از عوامل تعیین کننده رفتار در انسان به شمار می رود. در حقیقت برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند تعیین کننده

1 Kolmsee & Bin

2 Barrett

3 California task force

4 shihan

5 Mackie and Smith

چگونگی برخورد آن ها با مسائل مختلف است. فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قایل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه گیری و یا پر خاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی شود. عزت نفس را می توان مجموعه ای از افکار، احساسات، عواطف و تجربه ها تصور کرد که در فرایند زندگی اجتماعی شکل می گیرند. مجموعه ی هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه ای که فرد از خود دارد، باعث می شود که نسبت به خود احساس خوشایند، ارزشمند بودن یا برعکس آن را داشته باشد.

مازلو^۱ (۲۰۰۱) نیز عنوان می کند لازمه احساس تعلق به وجود آمدن احساس امنیت است و لازمه بوجود آمدن عزت نفس، به وجود آمدن دو نیاز احساس امنیت و احساس تعلق است و لازمه مسئولیت پذیری تأمین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت نفس است؛ از سوی دیگر نقش مدرسه بسیار تعیین کننده تر از خانواده است. (به نقل از کردلو، ۱۳۸۷).

گلاسر^۲ (۱۹۶۵) نیز معتقد است که مشکل انسان ها و ناهنجاری آن ها ناشی از عدم پذیرش مسئولیت است، زیرا آن ها نمی توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس شرایط صحیح و انسان دوستانه ارضاء کنند، نمی توانند، زیرا کسی نبوده که به آنان یاد دهد، یاد نگرفته اند، زیرا والدین آن ها چنین مهارتی را نداشته اند. گلاسر بیشتر به بعد رفتاری مسئولیت پذیری اهمیت می دهد و تاکید کمتری بر ابعاد شناختی و احساسی آن دارد.

خداری (۱۳۸۰) در پژوهش خود نشان داد که بین هوش، عزت نفس و وضعیت اقتصادی - اجتماعی با مسئولیت پذیری دانش آموزان همبستگی چندگانه وجود دارد. بدین معنی اگر دانش آموزان هوش، عزت نفس و وضعیت اقتصادی بالایی داشته باشند مجموعه ی آن ها با یکدیگر سبب می شود که نسبت به انجام مطلوب وظایف، با جدیت، وظیفه شناس و با احساس تعهد بیشتری اقدام نمایند و در قبال دستیابی به اهداف تعیین شده احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند.

رنجبریان و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیق خود نتیجه گرفتند که، بین عزت نفس و مسئولیت پذیری افراد ارتباط معنی داری وجود دارد. به عبارتی افرادی که عزت نفس بالایی دارند بیشتر مسئولیت می پذیرند. حریری (۱۳۸۶) در پژوهش خود نتیجه گرفت که بین مسئولیت پذیری نوجوانان دختر و پسر بزهکار و عادی تفاوت وجود دارد. به عبارتی بین نوجوانان بزهکار و عادی از لحاظ پذیرش مسئولیت تفاوت معنی داری وجود دارد.

اکبری نژاد (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان تاثیر مثبت دارد. همچنین عزت نفس و مسئولیت پذیری با هم رابطه ی معنی داری دارند.

نتایج پژوهش کردلو (۱۳۸۷) نشان می دهد که بین مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان دهنده ارتباط معناداری بین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت نفس بالا با مسئولیت پذیری است.

1 Maslow

2 Glasser

نتایج پژوهش سهیلی (۱۳۸۷)، نشان داد که، بین مسئولیت پذیری و خودشکوفایی ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارتی هرچه افراد بیشتر مسئولیت پذیر باشند به تدریج به سمت خود شکوفایی سوق داده می شوند.

روبرت کولز^۱ (۱۹۹۶) در تحقیق خود این نتیجه را ابراز می دارد: نوجوانان مسئولیت را از والدین خود، مدارس و محیط اجتماعی محل زندگی خود فرامی گیرند.

تری^۲ (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان داد که افزایش عزت نفس برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است بر اثر عزت نفس پایین برای نوجوانان به وجود آید ضروری است.

مطالعات متعددی نقش محوری عزت نفس در سازگاری اجتماعی را نشان داده اند. اعتقاد بر این است که بین سازگاری شخصی مطلوب و عزت نفس ارتباط متقابلی وجود دارد. (کاتا و جونیر^۳، ۲۰۰۲).

میاموتو^۴ (۱۹۹۸) در تحقیق خود نتیجه گرفت که بین انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان با مسئولیت پذیری اجتماعی آن ها، رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. به این معنی دانش آموزان واجد انگیزه پیشرفت بالا در مقایسه با دانش آموزان واجد انگیزه ی پیشرفت کم، تمایل بیشتری به قبول مسئولیت های اجتماعی و گروهی دارند.

نتایج پژوهش های کلوز و تینوس^۵ (۲۰۰۵)، جی مین سئو و همکاران^۶ (۲۰۰۷)، گامون و مورگان^۷ (۲۰۰۵)، کوتس ورت و کانروی^۸ (۲۰۰۶) اسمل و همکاران^۹ (۲۰۰۵) نشان دادند که اثرات مداخلات تجربی (آموزش مهارت های اجتماعی و تأثیر گروه درمانی) می تواند قویترین اثرات را بر افزایش عزت نفس افراد داشته باشد.

سوالات پژوهش

۱) آیا آموزش مسئولیت پذیری (به شیوه ی گلاسز) موجب افزایش عزت نفس و مؤلفه های آن (عزت نفس خود، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس تحصیلی و عزت نفس خانوادگی) می شود؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق تجربی و از طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی نیمی از آزمودنی هادر گروه آزمایش، نیمی دیگر در گروه گواه جایگزین شدند. قبل از اعمال مداخله های تجربی در مورد گروه های آزمایش و گواه، پیش آزمونی برای آن ها اجرا گردید و پس آزمون در پایان مداخله انجام گردید، به عبارتی هر دو گروه دوبار مورد

1 Robertcoles

2 Teri

3 Kata and Joiner

4 Moyamoto

5 Klose & Tinius

6 Ji-Min Seo, Sukhee Ahn, Eun-Kyung Byun, Chul-Kweon Kim

7 Gammon, J. & Morgan, S. H.

8 Coatworth & Conroy

9 Smoll, F. L., Smith, R. E., Barnett, N. P., & Everett, J.

اندازه گیری قرار گرفتند. تفاوت بین نمره های پیش آزمون و پس آزمون هر گروه از نظر معنی دار بودن آماری مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب که آموزش مسئولیت پذیری به عنوان متغیر مستقل اعمال شده تا تأثیر آن بر عزت نفس دانش آموزان به عنوان متغیر وابسته مشخص گردد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دبیرستان های شهر باغملک است که در سال تحصیلی ۱۳۸۷/۸ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری این تحقیق مشتمل بر ۳۰ دانش آموز پسر دارای عزت نفس پایین که در مقیاس تست عزت نفس کوپراسمیت کمتر از میانگین نمره کسب نمودند می باشد که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده گردید.

ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت

جهت ارزیابی میزان عزت نفس افراد مورد مطالعه، از پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت (۱۹۶۷) استفاده شد. این پرسشنامه در سال های اخیر به طور گسترده ای در پژوهش های روان شناسی به کار رفته است و فرم الف آن، دارای ۵۸ ماده است که ۸ ماده آن دروغ سنج است. چنانچه آزمودنی از ۸ ماده دروغ سنج بیش از چهار نمره بیاورد به آن معنی است که اعتبار آزمون پایین است و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از آن چیزی که هست جلوه بدهد. شیوه نمره گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است. در مجموع ۵۰ ماده آن به ۴ مقیاس عزت نفس خود، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس تحصیلی تقسیم می شود. این مقیاس علاوه بر ۴ خرده مقیاس، یک نمره کلی به دست می دهد. بدیهی است حداقل نمره ای که یک فرد می تواند بگیرد صفر و حداکثر آن ۵۰ است. افرادی که در این آزمون نمره بیشتری کسب کنند، عزت نفس بالاتری دارند. به این صورت فردی که در این آزمون نمره بالاتر از ۲۵ کسب کند دارای عزت نفس بالا و فردی که پایین تر از این مقدار به دست آورد، دارای عزت نفس پایین می باشد.

در پژوهش های متعددی به روایی و اعتبار بالای پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت اشاره شده است (واتکینز و استیلا، ۱۹۸۰، احمد و همکاران، ۱۹۸۵، چی، ۱۹۸۵، برینکمن و همکاران، ۱۹۸۹). (به نقل از به پژوه و همکاران، ۱۳۸۶).

در مطالعه شکر کن و نیسی (۱۳۷۳) که بر روی دانش آموزان سال اول تا سوم دبیرستان های نجف آباد انجام گردید، ضرایب اعتبار از طریق روش همبسته کردن نمره های آزمون با معدل سال آخر آنان محاسبه گردید. ضرایب به دست آمده برای پسران ۰/۶۹ و برای دختران ۰/۷۱ بودند که در سطح ۰/۰۱ معنی دار بوده است. همچنین ضرایب پایایی آزمون به روش باز آزمایی برای دانش آموزان پسر و دختر به ترتیب ۹۰ و ۹۲ گزارش شده است. در تحقیق پورفرجی (۱۳۸۰) ضرایب پایایی مقیاس کوپراسمیت با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۵۲ بود که از لحاظ روان سنجی ضریبی قابل قبول است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه عزت نفس از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۶۰ و ۰/۷۰ می باشد.

ب) پرسشنامه اطلاعات فردی (دموگرافیک):

این پرسشنامه برای مشخص کردن موقعیت اجتماعی، تحصیلی، اقتصادی و خانوادگی، ترتیب تولد، فرزندچندم خانواده، میزان سواد والدین و شغل والدین توسط پژوهشگر تهیه شد و در اختیار آزمودنی ها (گروه آزمایش و گواه) قرار گرفت.

جدول ۱: ضرایب پایایی پرسشنامه عزت نفس در تحقیق حاضر

ضرایب پایایی		شاخص آماری
تصنیف	آلفای کرونباخ	مقیاس
۰/۴۰	۰/۵۱	عزت نفس خود عمومی
۰/۶۶	۰/۵۹	عزت نفس اجتماعی
۰/۶۸	۰/۵۶	عزت نفس خانوادگی
۰/۴۵	۰/۴۷	عزت نفس تحصیلی
۰/۷۰	۰/۶۰	کل پرسشنامه عزت نفس

شیوه مداخله:

آزمودنی های گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۱/۵ ساعته، یک بار در هفته از روش یادگیری مشارکتی و فونونی چون سخنرانی، بحث و گفتگو، پرسش و پاسخ در معرض آموزش قرار گرفتند. فعالیت هایی که در هر جلسه انجام شد به این صورت بود که: در هر جلسه ابتدا جهت آشنایی بیشتر با اسامی دانش آموزان و مشخص کردن دانش آموزانی که در کلاس حضور داشتند، حضور و غیاب صورت می گرفت و بعد از آن تکالیفی که در جلسه قبل به آنان داده، بررسی می شد و اشکالاتی را که داشتند برطرف، و اقدامات لازم جهت رفع آن ها به عمل می آمد، سپس از مطالب جلسه قبل سؤالاتی از دانش آموزان پرسیده می شد و بعد از این که مشخص می شد دانش آموزان مطالب جلسه قبل را به خوبی آموخته اند مطلب جدید تدریس می شد. برای ارایه مطلب جدید این اقدام صورت می گرفت: ابتدا هدف های رفتاری روی تابلو نوشته می شد تا دانش آموزان سریع تر بتوانند خود را با مطالب هماهنگ کنند. مرحله ی بعد ارزشیابی پیش دانسته های دانش آموزان بود که برای این کار یک سری سؤالات شفاهی از دانش آموزان پرسیده می شد تا میزان آشنایی دانش آموزان با مطلب جدید مشخص شود. بعد از ارزیابی پیش دانسته ها درس جدید ارائه می شد. ابتدا توضیحات کامل در مورد مطلب جدید به دانش آموزان داده می شد و نکته های مهم روی تابلو یادداشت می شد و از دانش آموزان خواسته می شد که نکات مهم را یادداشت کنند و در منزل مطالعه کنند. در هر جلسه سؤالات به صورت شفاهی در مورد مطلب جدید، به منظور بالا بردن توانایی دانش آموزان برای شرکت در بحث و صحبت در مقابل جمع از دانش آموزان پرسیده می شد و آخرین اقدام در هر جلسه تعیین تکلیف و تمرین برای جلسه بعد بود که در ابتدای هر جلسه مورد بررسی قرار می گرفت.

شرح جلسات:

جلسه اول: آشنایی دانش آموزان با واژه عزت نفس و مسئولیت پذیری، و بررسی ویژگی های افراد با

عزت نفس و مسئولیت پذیر:

اهداف این جلسه عبارت بوده اند از: آشنایی دانش آموزان باهمدیگر - آشنایی با اهداف این دوره - تقویت انگیزه دانش آموزان برای شرکت در جلسات - آشنایی با واژه های عزت نفس و مسئولیت پذیری - شناخت افراد مسئولیت پذیر و باعزت نفس - بیان اصول وقواعد جلسات - پر کردن فرم تعهد برای حضور مداوم و مستمر تا پایان جلسات.

جلسه دوم: آموزش روابط سالم و مؤثر با دیگران به عنوان یک نیاز اجتماعی:

از جمله مطالبی که در این جلسه به دانش آموزان آموزش داده شد عبارت بودند از: بررسی مفهوم ارتباط با دیگران، آشنایی با ویژگی های ارتباط مؤثر و مسئولانه، اهمیت ارتباط صحیح با دیگران و نقش آن در سلامت روانی و بررسی نتایج حاصل از ضعف ارتباط با دیگران. در پایان بعد از ارزشیابی از آموخته ها تکالیفی برای دانش آموزان در منزل در نظر گرفته شد و این کار تا پایان تمامی جلسات ادامه داشت.

جلسه سوم: آموزش مهارت های تصمیم گیری:

مطالبی که در این جلسه آموزش داده شد عبارت بودند از: آشنایی با معنا و مفهوم تصمیم گیری، اهمیت تصمیم گیری، مراحل انجام تصمیم، تصمیمات مهم زندگی و بررسی تأثیر تصمیم گیری بر موقعیت ها، شکست ها، مسئولیت پذیری و عزت نفس.

جلسه چهارم: آموزش مهارت ابراز وجود و گوش دادن:

از جمله مطالبی که به دانش آموزان در این جلسه آموزش داده شد عبارت بودند از: تعریف ابراز وجود، بررسی تفاوت بین سبک های پاسخ دهی یعنی ابراز وجود، عدم ابراز وجود و پرخاشگری، کارکردهای ابراز وجود، انواع ابراز وجود، مؤلفه های ابراز وجود، چگونگی شناسایی موقعیت های مناسب برای ابراز وجود، مراحل ابراز وجود و غیره. علاوه بر آموزش این مطالب یک سری تمریناتی نیز در زمینه چگونگی ابراز وجود برای گروه های در نظر گرفته شده و از گروه ها خواسته شد این تمرینات را به صورت گروهی انجام دهند. همچنین در مورد مهارت گوش دادن، نقشی که این مهارت می تواند در برقراری ارتباط با دیگران داشته باشد، کارکردهای گوش دادن، انواع گوش دادن، جنبه های مختلف گوش دادن، موانعی که می تواند گوش دادن را دچار اختلال کند و غیره آموزش داده شد.

جلسه پنجم: لزوم برنامه ریزی در کارها و تصمیمات گرفته شده:

فعالیت هایی که آموزش داده شد عبارت بودند از: آشنایی با تأثیر برنامه ریزی در موفقیت ها، خودنگری شرط لازم برنامه ریزی، آشنایی با تأثیر برنامه ریزی برای مطالعه و انجام کارهای روزانه، تأکید بر داشتن یک دفتر یادداشت برای ثبت فعالیت های روزانه و مرور هر روز آن ها.

جلسه ششم: برنامه ریزی برای داشتن رفتار مسئولانه:

اهداف این جلسه آشنایی با رفتار مسئولانه، طرح ریزی رفتار مسئولانه و نقش رفتار در سلامت روانی بود. در این جلسه رهبر اطلاعات کافی در خصوص مطالب ذکر شده در اختیار دانش آموزان قرار داد؛ و پس از تقسیم بندی اعضا به دو گروه، به بحث و تبادل نظر در مورد موارد ذکر شده پرداختند و نتایج بعد از یادداشت نمودن بروی تابلو مورد نقد و بررسی قرار گرفتند.

جلسه هفتم: ارزیابی رفتار و قضاوت ارزشی درباره آن:

اهداف این جلسه آشنایی با ابعاد رفتار (از دیدگاه گلاسر)، نقش انسان در کنترل رفتار، معیارهای ارزیابی رفتار و دلایل انتخاب رفتار نامطلوب بود. در این جلسه رهبر به بیان و ابعاد رفتار از دیدگاه گلاسر پرداخت. سپس اعضاء به دو گروه تقسیم شدند و به ترتیب در مورد ابعاد رفتار، نقش انسان در کنترل رفتار، معیارهای ارزیابی رفتار و دلایل انتخاب رفتار نامطلوب بحث و تبادل نظر نمودند. در پایان یکی از اعضا نتایج را بر روی تابلو یادداشت نمود و اعضا متوجه شدند که در مورد رفتار بهتر است به تمام ابعاد آن توجه نمایند. زندگی در کنترل انسان قرار دارد و ما می توانیم با داشتن ابزارهای لازم کنترل زندگی خود را به صورت مؤثر در دست داشته باشیم و به جای آنکه حوادث بر ما مسلط شوند خود بر آن ها تسلط داشته باشیم.

جلسه هشتم: تصمیم گیری در مورد تحصیل و انتخاب رشته تحصیلی:

اهداف این جلسه عبارت بودند از: آشنایی با عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی و نقش انتخاب رشته تحصیلی در زندگی و پذیرش مسئولیت، آشنایی با رشته ها و شاخه های تحصیلی دوره متوسطه، ضوابط ورود به دوره پیش دانشگاهی و دانشگاه، نحوه ادامه تحصیل در دانشگاه های مختلف.

جلسه نهم: تصمیم گیری در انتخاب شغل:

اهداف این جلسه عبارت بودند از: آشنایی با عوامل مؤثر در انتخاب شغل، ویژگی های مشاغل جامعه امروز، مشکلات انتخاب شغل، اهمیت شغل مناسب و نقش آن بر تمام جنبه های مختلف زندگی.

جلسه دهم: خلاصه، جمع بندی و برگزاری آزمون:

روش اجرا: بیان اهداف، برگزاری جلسات، بیان خلاصه ای از تمام جلسات توسط دانش آموزان، تقدیر و تشکر از زحمات دانش آموزان و ایجاد انگیزه برای تمرین آموخته ها بعد از پایان جلسات در زندگی، برگزاری آزمون پس تست.

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش در سه قسمت یافته های توصیفی، یافته های مربوط به فرضیه های پژوهش و یافته های جانبی ارائه گردید.

الف) یافته های توصیفی:

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار و تعداد آزمودنی های نمونه می باشد.

ب) یافته های مربوط به فرضیه های تحقیق:

این پژوهش شامل فرضیه های زیر است که هر فرضیه همراه با نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آن در زیر ارائه می گردد.

فرضیه اول: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسر بر افزایش عزت نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه تأثیر دارد.

فرضیه ۱-۱: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسر بر افزایش عزت نفس خود کلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه تأثیر دارد.

فرضیه ۲-۱: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسر بر افزایش عزت نفس اجتماعی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه تأثیر دارد.

فرضیه ۳-۱: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسر بر افزایش عزت نفس خانوادگی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه تأثیر دارد.

فرضیه ۴-۱: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسر بر افزایش عزت نفس تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه تأثیر دارد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه (انکوا) مقایسه میانگین پس آزمون عزت نفس

دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری p	مجذور اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۸۸/۶۲	۱	۱۸۸/۶۲	۹/۰۸	۰/۰۰۶	۰/۲۵	۰/۸۲۸
گروه	۴۴۹/۸۰	۱	۴۴۹/۸۰	۲۱/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۹۴
خطا	۵۶۰/۸۳	۲۷	۲۰/۷۷				

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ عزت نفس تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=21/65$ و $P>0/0001$) بنابراین فرضیه اول تأیید می گردد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری (مانکوا) بر روی میانگین پس آزمون نمرات مؤلفه های

عزت نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گواه با کنترل پیش آزمون

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معنی داری (p)	مجذور اتا	توان آماری
آزمون اثر بیلابی	۰/۵۵۶	۴	۲۱	۶/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۰/۹۷۱
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۴۴۴	۴	۲۱	۶/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۰/۹۷۱
آزمون اثر هتلینگ	۱/۲۵	۴	۲۱	۶/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۰/۹۷۱
آزمون بزرگترین ریشه روی	۱/۲۵	۴	۲۱	۶/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۰/۹۷۱

همان طوری که در جدول ۳ ملاحظه می شود با کنترل پیش آزمون سطوح معنی داری همه آزمون ها، بیانگر آن هستند که بین دانش آموزان پسر گروه های آزمایش و گواه حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (مؤلفه های عزت نفس) تفاوت معنی داری وجود دارد.

همچنین با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گروه گواه از لحاظ عزت نفس خود کلی ($F=9/26$ و $p>0/006$)، از لحاظ عزت نفس اجتماعی ($F=16/06$ و $p<0/001$)، از لحاظ عزت نفس خانوادگی ($F=9/21$ و $p>0/006$) و از لحاظ عزت نفس تحصیلی تفاوت های معنی داری مشاهده می شود ($F=24/60$ و $p>0/0001$) بنابراین کلاً فرضیه ها تأیید می شوند.

بحث و نتیجه گیری:

در پژوهش حاضر هدف، بررسی تاثیر آموزش مسئولیت پذیری (به شیوه ی گلاس) بر عزت نفس دانش آموزان پسر می باشد. فرضیه های مطرح شده در این پژوهش و نتایج به دست آمده دال بر اثربخشی بین آموزش مسئولیت پذیری بر عزت نفس می باشد که در زیر به بررسی هر یک از این فرضیه ها و نتایج به دست آمده از آن ها می پردازیم.

در این پژوهش با توجه به مسئله و اهداف تحقیق فرضیات اصلی و فرعی های زیر تدوین گردید.
فرضیه اول: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه ی گلاس موجب افزایش عزت نفس دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر باغملک می شود.

همان طوری که در جدول ۲ ملاحظه می شود بین دانش آموزان پسر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ عزت نفس تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=21/65$ و $P</0.001$). بنابراین فرضیه اول تایید می گردد. به عبارتی دیگر، آموزش مسئولیت پذیری به شیوه ی گلاس با توجه به میانگین عزت نفس دانش آموزان پسر گروه آزمایش نسبت به میانگین دانش آموزان پسر گروه گواه، موجب افزایش عزت نفس گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با $0/44$ می باشد، یعنی 44 درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون عزت نفس مربوط به تأثیر آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاس (عضویت گروهی) می باشد. توان آماری برابر با $0/994$ است، یعنی اگر این تحقیق 1000 مرتبه تکرار شود فقط 6 مرتبه ممکن است فرضیه صفر اشتباهاً تأیید شود.

فرضیه ۱-۱: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه ی گلاس موجب افزایش عزت نفس خود عمومی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه ی شهر باغملک می شود.

فرضیه ۱-۲: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاس موجب افزایش عزت نفس اجتماعی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه ی شهر باغملک می شود.

فرضیه ۱-۳: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه ی گلاس موجب افزایش عزت نفس خانوادگی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه ی شهر باغملک می شود.

فرضیه ۱-۴: آموزش مسئولیت پذیری به شیوه ی گلاس موجب افزایش عزت نفس تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه ی شهر باغملک می شود.

همان طور که در جدول ۴ ملاحظه می شود با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گروه گواه از لحاظ عزت نفس خود کلی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=9/26$ و $p>0/006$)، بنابراین فرضیه ۱-۱ تایید می گردد. همچنین با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گروه گواه از لحاظ عزت نفس اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=16/06$ و $p>0/001$)، در نتیجه فرضیه ۱-۲ تایید می گردد. با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گروه گواه از عزت نفس خانوادگی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=9/21$ و $p>0/006$)، در نتیجه فرضیه ۱-۳ تایید می گردد و با کنترل پیش آزمون بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه گروه های آزمایش و گروه گواه از لحاظ عزت نفس تحصیلی تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=24/60$ و $p>0/0001$)، بنابراین فرضیه ۱-۴ تایید می گردد.

این یافته با یافته های به دست آمده از تحقیقات انجام شده توسط پژوهش های کلوز و تینوس (۲۰۰۵)، جی مین سئو و همکاران (۲۰۰۷)، گامون و مورگان (۲۰۰۵)، کوتس ورث و کانروی (۲۰۰۶) اسمل و همکاران (۲۰۰۵)، روبرت کولز (۱۹۹۶)، کردلو (۱۳۸۷)، اکبری نژاد (۱۳۸۷)، سهیلی (۱۳۸۷)، خدری (۱۳۸۰)، رنجریان و همکاران (۱۳۸۴) و حریری (۱۳۸۶) همخوانی دارد.

از جمله تبیین های احتمالی که می توان برای این یافته در نظر گرفت این است که عزت نفس قسمتی از شخصیت طبیعی هر انسانی است و بدیهی است که هر شخصی در وجود خود به نوعی احساس ارزشمندی خواهد کرد. اما این احساس ارزشمندی در افراد مختلف، دارای درجات مختلفی است. مسئولیت پذیری و شناسایی ارزش های فردی در پیشگیری یا کاهش ابتلاء نوجوانان به انواع ناهنجاری های رفتاری - اجتماعی، اختلالات روانی و شخصیتی نقش مؤثری دارند. بنابراین با توجه به اهمیت و ارزش آموزش مسئولیت پذیری با اهداف پیشگیرانه و ارتقاء سطح سلامت روان، فقدان این مهارت باعث کاهش ارزشمندی در وجود فرد خواهد شد. آموزش چنین مهارت هایی در کودکان و نوجوانان احساس کفایت، توانایی مؤثر بودن، غلبه کردن بر مشکل یا سازگاری با ناکامی و افزایش عزت نفس، توانایی برنامه ریزی و رفتار هدفمند و یا تغییر اهداف مواجه شده با ناکامی و متناسب با مشکل را به وجود می آورد.

همچنین در تبیین نتایج فوق می توان گفت دانش آموزان از آموزش ۱۰ جلسه ای مسئولیت پذیری به نحو چشمگیری استفاده کردند و توانستند مهارت های خود را تا حد قابل قبولی افزایش دهند. بدین ترتیب گروه آزمایش نسبت به گروه گواه تفاوت قابل توجهی در افزایش عزت نفس از خود نشان داد که می توان گفت این آموزش ها منجر به به تأثیرات مثبت و معنی داری شدند.

در برنامه آموزش مسئولیت پذیری، ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی هر فرد مدنظر قرار می گیرد و از آنجا که برنامه ها به صورت کارگاهی و عملی اجرا می گردد و افراد مورد آزمایش در دوره ها شرکت فعال دارند و تحت تأثیر تمرین های فردی و گروهی مختلف قرار می گیرند، غنای برنامه و گستردگی آن به ثمر بخشی هر چه بیشتر آن کمک می کند. همچنین برنامه های آموزشی مسئولیت پذیری به نوجوانان، مهارت های شناختی - رفتاری را برای بنای عزت نفس، مهارت های ارتباطی کارآمد و ارتقای ارتباطات فردی آموزش می دهد. مسئولیت پذیری انسان را آماده مقابله با مشکلات زندگی می کند و موجب مقاوم تر شدن شخصیت افراد، افزایش بینش آنها نسبت به زندگی و رویدادهای آن، افزایش مهارت در اداره زندگی و برقراری ارتباط مؤثر و مفید با محیط و اطرافیانش می گردد. به طوری که نتایج بسیاری از تحقیقات گواه بر این مسئله می باشد.

- اکبری نژاد (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. همچنین عزت نفس و مسئولیت پذیری با هم رابطه ی معنی داری دارند.

- نتایج پژوهش کردلو (۱۳۸۷) نشان می دهد که بین مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج، نشان دهنده ارتباط معناداری بین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت نفس بالا با مسئولیت پذیری است.

- روبرت کولز (۱۹۹۶) در تحقیق خود این نتیجه را ابراز می دارد: نوجوانان مسئولیت را از والدین خود، مدارس و محیط اجتماعی محل زندگی خود فرامی گیرند.

- اسمل و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خود تحت عنوان آموزش مهارت های اجتماعی مربیان جوان بر افزایش عزت نفس بچه ها به این نتیجه دست یافتند که بهبود رفتار مربیان جوان می تواند عزت نفس بچه هایی ۱۲ الی ۱۴ سال را، مخصوصا بچه هایی که دورانی را با عزت نفس پایین آغاز می کنند افزایش دهد.

- کوتس ورث و کانروی (۲۰۰۶) در تحقیق شان به این نتیجه دست یافتند که اثرات مداخلات تجربی (آموزش روان شناختی) می تواند قویترین اثرات را بر افزایش عزت نفس افراد جوان تر همچنین افرادی که دوره ی بلوغ را با عزت نفس پایین آغاز کرده اند داشته باشد.

منابع

اکبری نژاد، ایراندخت (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر سال دوم متوسطه شهرستان کهگلویه (دهدشت). پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان.

بهرامی، فاطمه؛ ملکیان، حسین و عابدی، محمد رضا (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه راهکارهای افزایش مسئولیت پذیری در بین دانش آموزان دوره ی راهنمایی شهر اصفهان. فصلنامه آموزه، شماره ۱۷، صفحات ۴۵ تا ۴۸.

به پژوه، احمد؛ خانجانی، مهدی؛ حیدری، محمود و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر عزت نفس دانش آموزان نابینا. مجلات پژوهش در سلامت روان شناختی، دانشگاه تربیت معلم تهران: قطب علمی روان شناسی استرس، دوره اول، شماره سوم.

پور فرجی، فرج (۱۳۸۰). مقایسه ی عملکرد تحصیلی و جسمانی دانش آموز پسر فاقد و واجد پدر به نقش تعدیل کننده ی حمایت اجتماعی با کنترل هوش، عزت نفس، طول مدت فقدان و وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده آنان در پایه ی تحصیلی اول دبیرستان شهرستان اهواز. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم تربیتی شهید چمران اهواز.

حریری، فاطمه (۱۳۸۶). مقایسه ی احساس گناه، بلوغ اجتماعی و مسئولیت پذیری بین نوجوانان بزهکار و عادی شهر اهواز. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

خداری، زهرا (۱۳۸۰). بررسی رابطه ی هوش، عزت نفس و وضعیت اقتصادی - اجتماعی با مسئولیت پذیری. پایان نامه ی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

رفعتیان، عبدالحسین (۱۳۸۴). مسئولیت پذیری. تهران: انتشارات قطره.

رضوانی دیسفانی، علی (۱۳۸۰). اثربخشی آموزش مسئولیت پذیری به شیوه ی گلاسبر بر افزایش بحران هویت دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان. پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی مشاوره، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

رنجبریان، رسول؛ موسی پور، نعمت الله و قزل ایاق، محمد (۱۳۸۴). رابطه ی بین عزت نفس و نیاز به کسب موفقیت کارکنان سازمان های دولتی. مجلات مدیریت - مطالعات مدیریت، شماره ی ۴۸، صفحات ۸۵ تا ۱۰۲.

سهیلی، هرمز (۱۳۸۷). رابطه ی خود شکوفایی با مسئولیت پذیری، جایگاه مهار و خلاقیت در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات اهواز. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

شکر کن، حسین و نیسی، عبدالکازم (۱۳۷۳). تأثیر عزت نفس بر عملکرد دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانی. مجلات علوم تربیتی و روان شناسی، دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ اول، شماره ی اول.

شیهان، ایلین (۱۹۸۸). عزت نفس. ترجمه: مالک میر هاشمی و مهدی گنجی (۱۳۸۳). ناشر: ویرایش. عابدینی، احمد (۱۳۸۶). فرزندان و مسئولیت پذیری سیاسی و اجتماعی. تهران: انتشارات عابد.

فرهادی، شهریار (۱۳۸۳). بررسی تأثیر فعالیت در شورای دانش آموزی بر عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان مدارس راهنمایی (عادی - دولتی) شهرستان کرج در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

کردلو، منیره (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه. مجلات روان شناسی و علوم تربیتی، رشد مدرسه، شماره ۱۳، صفحات ۱۱ تا ۱۴.

کلمز، هریس و بین، رینولد (۱۹۸۶). آموزش مسئولیت به کودکان. ترجمه: پروین علی پور (۱۳۸۶). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

گینات، حیم (۱۹۹۳). رابطه ی بین والدین و کودکان. ترجمه: سیاوش سرتیپی (۱۳۷۸). تهران: انتشارات مؤسسه ی اطلاعات.

Barrett, R.P.(2000).Assigned chores help teach social personal Responsibility, The Brown university child, and Adolescent Behavior letter.

Coles, R. (1996). Remember duty to others in Teaching Responsibility, curriculum review-December.p.7.

Coatsworth, J. & Conroy, D.E.(2006). Enhancing the self-esteem of youth swimmers through coach training, Gender and age effects, Psychology of Sport and Exercise, Volume 7, Issue 2, March 2006, Pages 173-192

Coppersmith, S. (1967). The Antecedents of Self-esteem, San Francisco: W.H. Freeman.

Gammon, J. & Morgan, S.H.(2005). A study to ascertain the effect of structured student tutorial support on student stress, Self-esteem and coping Nurse Education in Practice, Volume 5, Issue 3, May 2005, Pages 161-171.

Glasser, W.(1965). Reality therapy: A new Approach to Psychotherapy, Newyork, Harper and Row-Publishers.

Ji-Min Seo, Sukhee Ahn, Eun-Kyung Byun, & Chul-Kweon Kim(2007). Social Skills Training as Nursing Intervention to Improve the Social Skills and Self-Esteem of Inpatients with Chronic

- Schizophrenia, Archives of Psychiatric Nursing, Volume 21, Issue 6, December, Pages 317-326.
- Kata, J. & Joiner, E. (2002). Membership in a devalued social group and emotional well-being: developing a model of personal Self-Esteem. Collective Self-Esteem and group socialization sex Roles: A Journal of research. Vol 12. PP43-48.
- Klose, P. & Tinius, T. (2004). A Self-esteem group at an inpatient psychiatric hospital. Journal of Psychosocial Nursing and mental Health Service. 30(7)5-9.
- Mackie, M.D. & Smith, R.E. (2002). Social psychology, (2 nd ed.). U.S.A: Psychology prees, 285.
- Miyamoto, M. (1998). The concept of achievement motive Japanese children as shown through the behavior characteristics of their peers, Japanese Psychological Research. Vol.34(3), 110-116.
- Sharf, R. (1996). Theories of psychotherapy and counseling. New York: International Thomson pub.
- Smoll, F.L., Smith, R.E., Barnett, N.P., & Everett, J.J. (2005). Enhancement of children's self-esteem through social support training for youth sport coaches. Journal of Applied Psychology, 78, 602-610.
- Teri, R. (2002). Self-Esteem and self-efficacy of college student with disabilities, College Student Journal. Vol 18:34-42.

تاریخ وصول: ۸۹/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۹